

حوادث

زمین لرزه ۵/۸ ریشتری سنگان را لرزاند

بخش اجتماعی – زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۸ ریشتر، مرز استان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی را لرزاند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان از مشهد، زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵٫۸ ریشتر در عمق ۸ کیلومتری زمین حوالی سنگان در مرز استان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی را لرزاند. گزارش مقاماتی این زمین‌لرزه حاکی از آن است که؛ محل وقوع آن مرز استان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی – حوالی سنگان به وقت محلی: پنج شنبه دوازدهم دی ماه جاری۰۷:۵۹:۰۴ بوده است.

هیچ گونه تلفات جانی گزارش نشده است

مدیرکل بحران استان خراسان رضوی گفت: اکیپ‌های ارزیابی و امداد به منطقه زلزله‌زده خراسان رضوی اعزام شدند و تاکنون هیچ گونه تلفات جانی گزارش نشده است.

زلزله در شهرستان های زیرکوه و قاین هم احساس شد

مدیرعامل هلال احمر خراسان جنوبی نیز در این خصوص گفت: زلزله در شهرستان های زیرکوه و قاین هم احساس شده و تیم های ارزیاب از این شهرستان ها به روستاهای شمالی استان برای بررسی خسارت های احتمالی اعزام شده اند و تا کنون خسارتی گزارش نشده است.

در پی وقوع زلزله‌ای به بزرگی ۵٫۸ ریشتر در منطقه سنگان مرز بین خراسان رضوی و جنوبی که در ساعت ۷ و ۵۹ دقیقه صبح پنج شنبه رخ داد پس لرزه هایی نیز گزارش شد پس لرزه به بزرگی ۳٫۷ ریشتر در ساعت ۸ و ۵۳ دقیقه و زمین لرزه ۲٫۶ ریشتر در ساعت ۸ و ۲۸ دقیقه رخ داد.همچنین زلزله ۴٫۶ ریشتری دیگری در روز پنجشنبه سنگان را لرزاند.

زمین لرزه به معادن سنگان خواف خسارت وارد نکرد
بنابراین گزارش محمد علیزاده، مدیرعامل شرکت تامین و توسعه زیرساخت‌های شرق کشورگفت: طبق ارزیابی و بازدیدهای به عمل آمده از شرکت‌های معدنی در مجتمع سنگ آهن سنگان خواف زمین لرزه تا لحظه درج خبر خسارتی به راه‌های ارتباطی، تاسیسات آب، برق و گاز این منطقه وارد نکرده و زیرساخت‌های معدنی سالم هستند.
علی همتی مدیرعامل مجتمع سنگ آهن سنگان خواف هم گفت: زمین لرزه خسارت جانی و مالی در معادن این منطقه به همراه نداشته و تجهیزات لجستیکی در آمادگی کامل برای ارائه خدمت به خسارت دیدگان احتمالی زمین لرزه می‌باشد.

.....

بخشش نوه در مجازات قصاص قتل پدر

بخش اجتماعی – پسر نوجوانی که از بدخلقی و کتک کاری های پدرش به ستوه آمده بود، وی را کشت. شش سال بعد از قتل، نوه سرکش با جلب رضایت اولیای دم از قصاص رهایی یافت و از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. رسیدگی به این پرونده از پنجم مرداد ۹۲ به دنبال کشته شدن مردی در خانه اش در رباط کریم آغاز شد. شواهد نشان می داد پسر ۱۷ساله وی به نام میثم او را کشته و هنگامی که قصد انتقال جسد با خودروی پدرش را داشته توسط پلیس دستگیر شده است.

میثم به جنایت خانوادگی اعتراف کرد و گفت: از بدخلقی های پدرم خسته شده بودم به همین دلیل در فرصتی مناسب با میله به سرش کوبیدم و او را کشتم. من جسد را در صندوق عقب ماشین زانتیای پدرم جاساز کرده بودم تا آن را در حاشیه تهران رها کنم که ماشین خراب شد و ناچار شدم به تعمیرگاه بروم. آن جا بود که کارگران تعمیرگاه به ماجرا پی بردند و من توسط پلیس دستگیر شدم.

بله، پدر ۲ پسر هستم و دلم برایشان تنگ شده است. **◆ به چه جرمی دستگیر شدی؟** معاونت درقتل. **◆ روز حادثه چه نقشی داشتی؟** من یک چاقو در دستم بود و همراه برادر و پسرعمویم بودم ولی نه به کسی آسیب رساندم و نه باعث تخریب خودرو و مغازه ای شدم. **◆ همیشه چاقو همراهت است؟** من قبلاً قصاب بودم و همیشه یک چاقوی کوچک همراهم است ولی تا به حال از آن استفاده نکرده ام.

◆ درگیری سرچه موضوعی بود؟ یک نفر به نام علی در فضای مجازی و استوری هایش به ما و طایفه مان فحاشی می کرد که ما تصمیم گرفتیم به سراغش برویم. **◆ فکر نمی کردی دستگیر شوی؟** مست بودیم و به هیچ چیز فکر نکردم. **◆ حرف آخر؟** دو نفر بی گناه کشته شدند که خیلی ناراحت شدم و امیدوارم ما را ببخشند.

◆ می دانستی برادرت اسلحه دارد؟ نه، حتی تا وقتی که تیراندازی نکرده بود متوجه تفنگ اش نشده بودم. **◆ دیبای شرارت** ایمان ۳۱ ساله که دو بار به خاطر شرارت دستگیر شده است، می گوید، من کاری به کسی ندارم ولی اگر کسی به من کار داشته باشد آرام نمی نشینم. **◆ سابقه داری؟** زندان نرفتم ولی دو بار در سال ۹۱ و ۹۴ به خاطر شرارت دستگیر شدم. **◆ چه نقشی در حمله به قهوه خانه داشتی؟** من با شمشیر اقدام به تخریب شیشه های قهوه خانه کردم و داخل قهوه خانه نیز چند قلیبان را شکستم و بعد از آن دو قلیبان برداشتم و از آن جا خارج شدم.

◆ چرا قلیبان را با خودت بیرون آوردی؟ چون می خواستم بگویم که ما آن جا آمدیم. **◆ علت درگیری تان چه بود؟** یک نفر به نام علی در فضای مجازی به ما فحاشی می کرد که ما هم تصمیم گرفتیم ادبش کنیم و به سراغش رفتیم اما او درقهوه خانه نبود.

◆ فکر نمی کردی باعث مرگ کسی شوی؟ با وارد شدن به دریا خیس می شوید و حتی وقتی خودرو را روشن می کنید احتمال همه چیز هست ولی حرکت می کنید ما هم رفتیم و این اتفاقات افتاد.

بخش اجتماعی – جسد متهم به قتل فراری که از پنج روز قبل تحت تعقیب پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفته بود، در حالی روی دکل برق فشار قوی در کوه های معروف به قله زو در مشهد کشف شد که با قفل و زنجیر و طناب خود را به دار آویخته بود!

ماجرای این پرونده جنایی از حدود ساعت ۲۱ شب ششم دی زمانی لو رفت که ماموران انتظامی از طریق تماس های مردمی در جریان قتل مرد جوانی در طبقه اول یک واحد آپارتمانی در بولوار فارغ‌التحصیلان مشهد قرار گرفتند و عازم نشانی مذکور شدند. ماموران کلانتری با دیدن جسد خون آلود مرد ۲۶ ساله ای که کف اتاق قرار داشت، به حفظ صحنه جنایت پرداختند و ماجرا را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند. دقایقی بعد با حضور قاضی کاظم میرزایی در محل کشف جسد،بررسی های قضایی آغاز شد. تحقیقات میدانی نشان می داد که مقتول «ی-ص» نام داشت و در واحد آپارتمانی اجاره‌ای زندگی می کرد، این در حالی بود که همسر مقتول به همراه نوزاد تازه متولد شده اش در منزل پدرش حضور داشت و هنگام وقوع جنایت مرد ۲۶ ساله در خانه تنها بود! دو پتوی خون آلود و اصابت تیغه چاقو به گردن مقتول، ذهن قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی وانقلاب مشهد را با فرضیه های گوناگونی روبه رو ساخت اما در این میان باز هم تجربه قضایی به یاری قاضی ویژه قتل عمد آمد و این گونه نحوه ورود قاتل به منزل، تنها سرخ مهمی بود که مورد کنکاش های قضایی قرار گرفت.

بررسی های اولیه بیانگر آن بود که قاتل با مقتول آشنا بوده و بدون هیچ مشکلی وارد منزل شده است! این در حالی بود که هیچ یک از اطرافیان مقتول از ارتباط مرد ۲۶ ساله با فردی غریبه اطلاع نداشتند به همین خاطر شبیه تحقیقات با صدور دستورات محرمانه ای از سوی قاضی میرزایی تغییر کرد و به موضوعات اجتماعی کشید. گزارش خراسان حاکی است، بررسی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل جنایت، حکایت از آن داشت که هنگام پارک خودرو توسط مقتول در نقطه ای ال مانند، فرد سیاه پوشی نیز از سمت شاگرد پیاده شده است که قیافه ای جوان دارد. از سوی دیگر با راهنمایی‌های قاضی ویژه قتل عمد، دامنه تحقیقات محرمانه کارآگاهان از طریق پیامک های ارسالی و بررسی محتویات تلفن همراه مقتول به سوی جوانی کشیده شد که از حدود یک سال قبل با وی در شبکه های اجتماعی فضای مجازی در ارتباط بود و از مدتی قبل دچار اختلاف شده بودند! با مشخص شدن هویت جوان مذکور که «محمد-» نام داشت، تحقیقات پلیس بر این ارتباط

{اجتماعی}

پنهانی متمرکز شد و بدین ترتیب ادامه بررسی ها به شهرک شهید رجایی مشهد کشید، جایی که جوان مذکور در آن جا اقامت داشت اما تحقیقات غیرمحسوس کارآگاهان بیانگر آن بود که «محمد-» به دلیل برخی اخلاق



های خاص در زندگی اش با اطرافیان خود قطع ارتباط کرده بود و رفت و آمد زیادی با خانواده اش نداشت. در این میان یکی از بستگان متهم تحت تعقیب، اطلاعات ویژه ای را در اختیار کارآگاهان گذاشت. او گفت: با آن که «محمد» با پدرم ارتباطی نداشت اما آن شب (ششم دی) در حالی که دستش زخمی بود به منزل ما آمد، وقتی درباره خراشیدگی و خون آلود بودن لباسش پرسیدم در پاسخ گفت: دستم به جایی کشیده و دچار خراشیدگی شدا وی ادامه داد: او یک بار سابقه خودکشی ناموفق داشت و آن شب هم نزد ما خوابید ولی صبح روز بعد به سمت کوه های منطقه آب و برق رفت که به «قله زو» معروف هستند و دیگر از او خبری ندارم!

قاضی میرزایی با شنیدن این اظهارات، دستور تحقیق نیروهای انتظامی در اطراف کوه های منطقه سرفرازان و آب و برق را صادر کرد و بدین ترتیب گروهی از نیروهای انتظامی عازم کوه های مذکور شدند اما جست وجوی آن ها بی فایده بود! از سوی دیگر نیز مناطقی مانند جعفری، کاهو و ... مورد

ناگفته های عجیب سه شرور پایتخت در قتل دو بی گناه

◆ چرا از طریق قانونی وارد نشدی؟

تصمیم گرفتیم خودمان به حسابش برسیم.

◆ مگر قانون جنگل است که خودتان تصمیم گرفتید اقدام کنید؟

درست می گوید ولی دیگر تصمیم بر این شد و نمی خواستیم شکایت کنیم.

◆ چرا وارد دنیای شرارت شدی؟

خودم خواستم، البته محل زندگی هم تاثیر دارد.

◆ دنیای شرارت چه حال و رنگی دارد؟

هیچ حالی ندارد. وارد نشوید بهتر است.

◆ نمی خواهی از این دنیا بیرون بیایی؟

من کاری به کسی ندارم و سرم به زندگی خودم گرم است اما اگر کسی به من کار داشته باشد، حقم را می گیرم. **◆ می دانستی پسرعمویت تفنگ همراه دارد؟** نه، وقتی جلوی در قهوه خانه رفتیم در بسته بود که ناصر شروع به تیراندازی کرد.

◆ بعد از قتل کجا رفتی؟

من نمی دانستم کسی فوت کرده است بعد از این که فرار کردیم، شنیدم راننده تاکسی اینترنتی فوت کرده است و در بازداشت بودیم که شنیدم فرزین هم فوت کرده است.

◆ چه حسی داشتی؟

ناراحتم و به خانواده هایشان تسلیت می گویم، آن ها بی گناه بودند و ما اصلاً قصد کشتن کسی را نداشتیم و همه این ماجراها یک اتفاق بود.

◆ چه برنامه ای برای بعد از آزادی داری؟

هر شب تا صبح به آینده فکر می کنم، زندگی همیشه خودم را می کند، باشگاه می روم و قرار بود با دختر مورد علاقه ام ازدواج کنم که فعلاً این اتفاقات رخ داده و باید صبر کنم تا آزاد شوم.

◆ قاتل مسلح

ناصر ۳۱ ساله که در این ماجرا باعث مرگ دو نفر شده است، با چهره ای آشفته و ناراحت تاکید می کند که من قصد کشتن نداشتم و از این اتفاقاتی که رخ داده پشیمانم.

◆ سابقه داری؟

نه.

◆ شغل؟

قصاب هستم.

◆ همیشه چاقو همراه داری؟

نه، اصلاً شرور نیستم.

◆ چطور دست به اسلحه شدی؟

چند ماه قبل یکی از دوستان و فامیل های دورمان به نام طیب توسط چند شرور به قتل رسید. از آن زمان به بعد فردی به نام علی در دنیای مجازی و اینستاگرام شروع به فحاشی و کری خوانی برای ما و طایفه مان می کرد که تصمیم گرفتیم ادبش کنیم.

◆ اسلحه را از کجا تهیه کردی؟

چندی قبل از یکی دوستانم در شهرستان پول طلب داشتم که در ازای آن این اسلحه کلاشینکف را به من داد.

◆ چند روز قبل تصمیم گرفتی؟

همان شب در باغ نشسته بودیم و شروع به خوردن مشروبات الکلی کردیم و پس از آن سوار بر خودرو به سمت قهوه خانه رفتیم.

◆ شب حادثه چه شد؟

وقتی به محل قهوه خانه رفتیم، ابتدا ایمان و محسن از خودرو پیاده شدند و من به دنبالشان رفتم که دیدم چند شرور سر کوچه ایستاده اند و قصد دارند به ما حمله کنند که شروع به تیراندازی کردم. وقتی جلوی قهوه خانه رفتیم، داخل قهوه خانه پیدا نبود آن جا هم تیراندازی کردم. با شکسته شدن شیشه ها وارد آن جا شدیم ولی اثری از علی نبود که به سرعت خارج شدیم، چون نمی خواستم کسی به سمت ما بیاید، دوباره شروع به تیراندازی کردم که بعد متوجه شدم راننده تاکسی اینترنتی فوت کرده است.

سال بیست و سوم / شماره ۵۳۸۶

ماجرای خودکشی قاتل فراری روی دکل

کنکاش های پلیسی قرار گرفت که احتمال می رفت سرخن هایی از متهم فراری به دست آید ولی باز هم نتیجه ای حاصل نشد! بنابر این گزارش، در حالی که بررسی های کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ «محمدرضا

غلامی ثانی» (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی)وارد رصدهای اطلاعاتی شده بود، روز گذشته دو تن از کارگرانی که مشغول نهال کاری در اطراف تپه های قله زو بودند، ناگهان با جسد حلق آویز جوانی روبه رو شدند که خود را با طناب و قفل و زنجیر از دکل برق فشار قوی به دار آویخته بود! آن ها که با مشاهده این صحنه وحشت زده شده بودند، بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش دادند. دقایقی بعد نیروهای کلانتری شهرک ناجا بعد از طی مسافتی طولانی به مکانی رسیدند که جسد حلق آویز در آن جا قرار داشت. آن ها موضوع را به نیروهای امدادی آتش نشانی و قاضی ویژه قتل عمد اعلام کردند و این گونه بود که امدادگران آتش نشانی از ایستگاه ۷ مشهد عازم کوه های «قله زو» شدند و پس از پیمودن مسیرهای صعب العبور، تلاش خود را برای پایین آوردن جسد جوان ۲۸ ساله آغاز کردند. با توجه به این که زنجیر با دو قفل آویز بسته شده بود، بعد از جست وجو در جیب های متوفی کلیدهای آن به دست آمد و مشخص شد که این جوان ۲۸ ساله قفل و زنجیر و طناب را به تازگی خریده است. بنابر گزارش خراسان، چند دقیقه بعد وقتی قاضی کاظم میرزایی از خودرو در محل کشف جسد پایین آمد

و چشمش به جسد افتاد، بلافاصله او را شناخت چرا که جوان ۲۸ ساله همان «محمد-» قاتل تحت تعقیب بود! به همین خاطر بررسی ها در این باره از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. تحقیقات مقدماتی نشان می داد که حدود ۴۸ ساعت از مرگ این جوان در بالای دکل برق فشار قوی می گذرد.

بنابراین با دستور مقام قضایی، نیروهای زحمتکش آتش نشانی، تلاش خود را برای پایین آوردن جسد در حالی ادامه دادند که چندین نفر از امدادگران با تجهیزات کامل به بالای دکل رفتند و به آرامی جسد را داخل تابوت گذاشتند.

گزارش خراسان حاکی است، در کیف همراه متوفی که در پایین دکل قرار داشت نیز بطری آب و کیک نیمه خورده ای کشف شد. بررسی های ویژه قضایی در این باره با صدور دستوراتی از سوی قاضی میرزایی و توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی همچنان ادامه دارد تا زوایای پنهان این جنایت روشن شود.

◆ چه حالی داشتی؟

سخت بود و ناراحت شدم. قرار بود یک ماه دیگر ازدواج کنم اما این اتفاقات رخ داد.

◆ بهتر نبود از مسیر قانونی اقدام می کردید؟

بی عقلی و بیجگی کردم.

◆ اگر علی بود او را هم با گلوله می زدی؟

ما قصد داشتیم علی را بزنیم ولی نمی خواستیم باعث مرگش شویم.

◆ دنیای شرارت خوب است؟

نه، بهتر است هیچ وقت کسی وارد این دنیا نشود. سرت در لاک خودت باشد و زندگی خودت را بکنی بهتر از هر اتفاق دیگری است.

◆ آخر دنیای شرارت چیست؟

آخرش من هستم، زندان و پلیس آگاهی و یک عمر پشیمانی و ناراحتی که باعث مرگ دو بی گناه شده ام. نباید شروع کنید که به آخرش فکر کنید.

◆ تحصیلات؟

سیکل، از ۱۵ سالگی سر کار می روم و خرجی خانواده ام را می دهم.

◆ فرزین را می شناختی؟

بله، با هم رفیق بودیم. بارها به باغ ما آمده بود و من هم بارها به قهوه خانه شان رفته بودم و هیچ اختلافی با هم نداشتیم. خیلی ناراحتم و امیدوارم هر دو خانواده مرا ببخشند، باور کنید من اصلاً قصد کشتن کسی را نداشتم و آن شب مست بودیم.

◆ حرف آخر؟

پشیمانم و کاش از روز اول به صورت قانونی اقدام می کردیم. جان دو نفر بی گناه گرفته شد و شرمنده خانواده هایشان هستم از آن ها می خواهم که مرا ببخشند

تحلیل کارشناس
بی اعتمادی به قانون
دکتر امان الله قرایی مقدم، جامعه شناس و استاد دانشگاه با اشاره به این مطلب می گوید: در برخی موارد دیده می شود در جامعه عده ای از افراد وقتی به مشکل حقوقی برمی خورند به جای استفاده از ابزار قانونی و قدرتی که قانون دارد به قانون بی اعتماد هستند و شخصاً وارد مسائلی می‌شوند که نه تنها مشکلات حل نمی شود بلکه نتیجه آن اتفاقات هولناک و تلخی است قانون گریز هستند زیرا شخصیت شان طوری شکل گرفته است که هیچ گونه اعتمادی به قانون ندارند و تصور می کنند قانون نمی‌تواند حق ضایع شده آن ها را بازستاند. در حالی که اگر به صورت شخصی اقدام به احقاق حق خود کنند، درگیر مسائلی چون ضرب و شتم، نزاع، آدم ربایی یا حتی قتل می شوند. البته این افراد از نگاه جامعه شناختی اعتقادشان به قانون و قوانین تعیین شده ضعیف است. این افراد دغدغه های بسیاری را در طول زندگی تحمل و به دلیل نداشتن صبر و ویژگی‌های شخصیتی مثبت از روش های ناهنجار و غیررسمی برای تحقق اهداف و تامین خواسته ها و مطالبات خود اقدام می کنند.اگر در جامعه هر فردی به طور شخصی برای گرفتن حق خود اقدام کند و به اصطلاح قانون را دور بزند، قطعاً با مشکلاتی مواجه می‌شود که دیرتر به حق ضایع شده خود می‌رسد و در این موارد قانون هم از آن ها حمایت نمی‌کند. اگر فردی به قوانین اعتماد ندارد، احساس می‌کند قانون توسط نهادهای قدرت رعایت نمی شود و این احساس تبعیض در حل مشکلات به آن ها لطمه وارد می کند. عده ای دیگر نیز به دلیل ناکامی و محرومیت هایی که دارند، تصور می کنند قانون به درستی اجرا نمی و می‌تواند مستحق است در حق شان اجحاف شود. آن ها به تدریج در شخصیت شان بدبینی، ناکامی و محرومیت مفرط شکل گرفته و پایدار مانده است زیرا از نظر باور درونی دچار خدشه و ضعف هستند و برای حل تعارضات باید به قانون و قوانین مراجعه کرد. اگر هر فردی هنجارها و قوانین را نقض کند، قطعاً شکافی در جامعه ایجاد می‌کند. برای این راه حل نیاز است تا باورهای فردی طوری شکل بگیرد که ابتدا اعتماد در افراد به اندازه کافی وجود داشته باشد. خانواده نقش بزرگی در شکل گیری پیروی و تبعیت از قانون در افراد دارد.